شناخت كوتاهى از اسلام

**تهيه:
كانون پژوهش‌هاى علمى**

**دانشگاه اسلامى مدينۀ منوره**

**ترجمه:
عبدالله حیدری**

**چاپ اول 1420/1377هـ**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | شناخت کوتاهی از اسلام |
| **تهیه:** | کانون پژوهش‌های علمی دانشگاه اسلامی مدینۀ منوره |
| **ترجمه:** | عبدالله حیدری |
| **موضوع:** | مجموعه عقاید اسلامی |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | دی (جدی) 1394 شمسی، ربیع الأول 1437 هجری |
| **منبع:**  |  |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc440462629)

[شناخت اسلام 1](#_Toc440462630)

[رسالت اسلام 3](#_Toc440462631)

[بخش نخست: اركان ايمان 5](#_Toc440462632)

[ركن اول: ايمان به خدا 5](#_Toc440462633)

[ركن دوم: ايمان به فرشتگان 5](#_Toc440462634)

[ركن سوم: ايمان به كتب آسمانى 6](#_Toc440462635)

[ركن چهارم: ايمان به پيامبران 6](#_Toc440462636)

[ركن پنجم: ايمان به روز قيامت 7](#_Toc440462637)

[ركن ششم: ايمان به تقدير 7](#_Toc440462638)

[بخش دوم: اركان اسلام 9](#_Toc440462639)

[پايۀ اول: كلمۀ شهادت 9](#_Toc440462640)

[پايۀ دوم: نماز 9](#_Toc440462641)

[پايۀ سوم: زكات 10](#_Toc440462642)

[پايۀ چهارم: روزه 10](#_Toc440462643)

[پايۀ پنجم: حج 11](#_Toc440462644)

[بخش سوم: احسان 13](#_Toc440462645)

[ساير احكام اسلام 15](#_Toc440462646)

[عدالت اسلام 17](#_Toc440462647)

[جمع‌بندی 19](#_Toc440462648)

شناخت اسلام

اسلام گواهى دادن بر این امر است که معبود و مشکل گشاى بر حقى جز خداى یگانه نیست و محمد رسولُ فرستاده اوست، این گواهى می‌بایستى با زبان و قلب وجوارح انجام گیرد، و معناى این گواهى آنقدر گسترده است که ایمان به ارکان ششگانه اعتقادى وعمل به ارکان پنجگانه عملى اسلام و نیز احسان را در بر می‌گیرد، که این عبارت از آخرین دین از ادیان الهى است که خداوند مهربان آنرا برخاتم پیامبران حضرت محمد مصطفىص نازل فرموده است.

اسلام یگانه دین برحقى است که خداوند جز این دین،دین دیگرى از هیچ احدى نمى‌پذیرد.

خداوند این دین را بقدرى سهل و آسان گردنیده که هیچ گونه سختى و مشقتى در آن نیست، چیزى بر پیروان آن فرض نگردانیده که نتوانند انجامش دهند و آنان را به چیزى مکلّف نکرده که از عهدۀ آن برنیایند.

اسلام دینى است که پایۀ آن توحید، شعارش صداقت، معیارش عدالت، مسیرش حقیقت و روحش رحمت است، اسلام مکتب بزرگى است که انسان‌ها را به هر آنچه در زندگى دنیوى و آخروى برایشان مفید باشد راهنمایى می‌کند و ازهر آنچه در دنیا و آخرت برایشان زیان آور باشد باز می‌دارد.

اسلام دینى است که خداوند بوسیلۀ آن عقاید و اخلاق را صیقل می‌دهد، و دنیا و آخرت را بدان اصلاح می‌کند، و بوسیله آن در میان دل‌هاى پراگنده، و اندیشه‌هاى متضاد الفت و محبت می‌اندازد و آن‌ها را از تاریکى‌هاى باطل می‌رهاند و به شاهراه حق و صراط مستقیم رهنمون می‌گردد.

اسلام مکتبى است که همه اصول و مبانى، احکام و قوانین و دستورات و برنامه‌هایش، محکم و استوار و خلل ناپذیر است جز به حق و راستى خبر نمى‌دهد، و جز به نیکى و عدالت حکم نمى کند، اعتقاداتش سالم و متین، عباداتش سازنده و رشک آفرین و اخلاقش برازنده و فخر آفرین است.

رسالت اسلام

مهمترین اهدافى را که اسلام جهت تحقق آن تلاش می‌کند می‌توان چنین برشمرد:

1. آشناکردن انسان‌ها به خالق و آفریدگارشان، به ذات لایزالى که همواره باقى خواهد بود، به اسماى نیکویش که همنام دیگرى ندارد، و به صفات متعالى‌اش که بى نظیروبى مانند است، به افعال حکیمانه‌اش که در انجام آن‌ها به هیچ شریک و همتایى محتاج نیست و به عبادت و حق بندگى‌اش که صرفاً او مستحق و لایق هر گونه پرستش و بندگى است.
2. دعوت انسان‌ها به سوى عبادت و پرستش ذات یکتاى پروردگار، بدین صورت که تمامى آنچه را که خداوند متعال در کتاب مقدّسش و سنت پیامبرش اعم از اوامر و نواهى که سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها در آن نهفته است بیان داشته مورد عمل قرار دهند.
3. متوجه کردن انسان‌ها به حقیقت زندگى، که این دنیا دارى فانى است و زندگى حقیقى پس از مرگ شروع می‌شود و مراحل سعادت یا شقاوت انسان از قبر شروع شده تا هنگام برانگخته شدن بعد از مرگ، و سپس حساب و کتاب، که آنگاه مصیر هر کس مشخص خواهد شد و هر کس مطابق اعمالش یابه بهشت و یا به دوزخ خواهد رفت اگر خوب کرده خوبى می‌بیند و اگر بد کرده بدى.

بنابراین قواعد اساسى اسلام رامى توان چنین خلاصه کرد:

بخش نخست: اركان ايمان

ركن اول: ايمان به خدا

که نقاط ذیل را در برمى‌گیرد.

ألف: ایمان به ربوبیت خداوند متعال، یعنى اقرار و باور به اینکه صرفاً ذات یگانه اوست که پروردگار و آفریدگار و صاحب اختیار، و متصرف در تمامى شئون مخلوقاتش است.

ب: ایمان به ألوهیت خداوند متعال، یعنى یقین و باوربه اینکه إله و کارسازو لایق پرستش فقط ذات یگانه اوست و تمامى معبودات دیگر غیر از او، باطل هستند.

ج: ایمان به اسماء و صفات خداوند متعال، یعنى یقین و باور به اینکه او اسماى نیکو و صفات متعالى و کامل دارد که ویژه خود اوست.

ركن دوم: ايمان به فرشتگان

فرشتگان بندگان مکرمى هستند که خداوند حکیم آنان را آفریده است و آنان بى وقفه به عبادت پروگارشان مشغولند، و گوش بفرمان او هستند، خالق حکیم آنان را به اعمال زیادى مکلف کرده است، از جمله آن‌ها حضرت جبرئیل÷ است که خداوند مأموریت وحى را به او سپرده است که وحى را از نزد خداوند می‌آورد و به هرکسى از انبیاء و رسولان† که خداوند بخواهد می‌رساند.

یکى دیگر ازفرشتگان میکائیل÷ است که خداوند او را مأمور باران و نباتات نموده است.

دیگرى اسرافیل÷ است که خداوند او را مأمور نفخ صور کرده است و این هنگامى است که به حکم پرودگار فرصت بى هوش شدن زندگان و سپس برانگیخته شدن همۀ مردگان فرارسده و دیگرى ملک الموت است که مأمور قبض ارواح گردیده است.

ركن سوم: ايمان به كتب آسمانى

خداوند مهربان کتابهایى را برپیامبرانش† نازل فرموده که مصدر هدایت و سعادت و تمامى خوبی‌ها است.

کتابهایى که ما در بارۀ آن می‌دانیم عباتند از:

الف: تورات که خداوند آنرا بر موسى÷ نازل فرموده و این بزرگترین کتابى است که خداوند براى بنى اسرائیل نازل فرموده است.

ب: انجیل که خداوند آنرابرعیسى÷ نازل فرموده است.

ج: زبور که خداوند آنرا به داؤد÷ داده است .

د: قرآن کریم که خداوند آنرا بر خاتم أنبیاء حضرت محمدص نازل فرموده است.

 از ویژگی‌هاى قرآن این است که خداوند بوسیله آن بقیۀ کتب آسمانى را منسوخ کرده و خودش حفاظت آنرا به عهده گرفته، زیرا که این کاملترین و پایدارترین دستور زندگى به عنوان روشن ترین حجت و برهان الهى بر بندگانش تا روز قیامت باقى خواهد ماند.

ركن چهارم: ايمان به پيامبران

خداوند متعال پیامبرانى را براى هدایت بندگایش فرستاده است، که اولین آن‌ها حضرت نوح÷ و آخرین‌شان حضرت محمدص است.

تمامى پیامبران علیهم الصلاة السلام بشمول حضرت عیسى بن مریم و حضرت عزیر انسان‌هایى هستند که آفریده شده‌اند، و هیچگوبه خصوصیتى را از صفات و خصوصیات ربوبیت که ویژه پروردگار است دارا نیستند بلکه آن‌ها صرفاً بندگانى از بندگان خدا هستند که خداوند آنان را بوسیله رسالت و نبوّتش برگزیده و اعزاز بخشیده است.

و آنگاه خداوند سلسلۀ ارسال پیامبران† را بوسیله رسالت حضرت محمدص ختم نموده و ایشان را به عنوان آخرین پیامبر بسوى همه انسان‌ها فرستاده است که بعد از ایشان تا قیامت پیامبر دیگرى نخواهد آمد.

ركن پنجم: ايمان به روز قيامت

روز قیامت یا روز رستاخیز بقدرى بزرگ و هولناک است که نمى توان تصورش کرد آنروز پروگار قادر متعال همۀ انسان‌ها را از قبرهایشان زنده خواهد کرد تا اینکه براى همیشه زنده و

جاوید بمانند، یا در بهشت جاویدان و دار نعمت‌ها، و یا در دوزخ رسوا کننده و دار ذلت‌ها، ایمان به روز رستاخیز، ایمان به تمامى آن حقایقى است که انسان پس از مردن با آن‌ها روبرو می‌گردد، مانند فتنۀ قبر، نعمت‌ها، عذاب و آنچه که بعد از آن رخ خواهد داد، مانند زنده شدن پس از مرگ، و جمع شدن در میدان محشر، و وزن و حساب اعمال و نهایتاً بهشت یا دوزخ.

ركن ششم: ايمان به تقدير

تقدیر یا سرنوشت، ایمان و باور به این امر است که خداوند حکیم و توانا تمامى این کائنات را طبق برنامه معینى که خود با علم و حکمت خویش آنرا طراحى کرده آفریده است فلذا یکایک ذرات و حوادث این جهان را با علم ازلى‌اش می‌داند و در نزد او در لوح محفوظ نوشته است چون که او همه چیز را خواسته و دانسته آفریده بناءً این خبر با اراده و قدرت بى پایان او هیچ ذره‌اى در این جهان پدید نخواهد آمد، و هیچ برگى از درخت نخواهد افتاد.

بخش دوم: اركان اسلام

اسلام بر پنج پایه استوار گردیده که انسان تابه این پنج پایه یا پنچ رکن ایمان نیاورد و آن‌ها را در عمل پیاده نکند مسلمان واقعى نخواهد گردید.

پايۀ اول: كلمۀ شهادت

یعنى گواهى دادن و ایمان و باور داشتن به اینکه جز خداى یگانه هیچ معبودى سزاوار پرستش نیست و محمد پیامبر و فرستاده او ست، این کلمۀ شهادت در واقع کلید اسلام است، و ستون فقراتى که تمام دین بر آن می‌ایستد.

پس جزء اول کلمۀ شهادت اثبات این امر است که صرفاً یک ذات قادرُ توانایى بر حق است و لایق پرستش، و غیر او تمامى معبودان دیگر باطل و بى اختیارند.

و در جزء دوم کلمه تلقین این درس است که پیامبرص را در هر آنچه خبر می‌دهد تصدیق کنیم، و از أوامرش اطاعت نمائیم، و از هر آنچه مارا باز داشته بازآئیم، و جز در پرتو شریعتش عبادت نکینم.

پايۀ دوم: نماز

خداوند نماز را در شبانه روزى پنج مرتبه فرض گردانیده تا اینکه بنده و لو جزئى از حق پروردگاوش را اداء نماید، و شکر نعمت‌هایش را بجاى آورد، و تا اینکه بوسیله این نماز بتواند با پروردگارش رابطه بر قرار کند، با او راز و نیاز کند و او را بخواند و سر انجام تا اینکه این نماز بنده مسلمان را از گناهان و بدی‌ها باز دارد.

از دیگر ثمرات نماز این است که ایمان را پالائش می‌دهد ثوابُ پاداش بى شمارى جلب می‌کند، نماز گذار از نظر روحى و جسمى احساس راحت و آرامش می‌کند، و خلاصه اینکه نماز ضامن سعادت ابدى انسان است.

پايۀ سوم: زكات

زکات عبارت از مالى است که شخص مسلمان باید آنرا به افراد فقیر و مستحق و دیگر جهاتى که دادن زکات به آنان مشروع است بپردازد، البته زکات مانند نماز بر هر مسلمانى فرض نیست بلکه صرفاً بر آن عده از مسلمانان فرض گردیده که دارایى‌شان به حد معینى برسد و یک سال کامل از ملکیت آن بگذرد.

زکات راخداوند به این دلیل فرض گردانیده تا اینکه مسلمان صاحب نعمت و دارایى، در دینش محکم گردد، در اخلاق و رفتارش رشد کند، و تا اینکه خداوند آفات و بلیات را بوسیله این صدقه از او و اموالش دفع نماید، و گناهان و تقصیراتش را ببخشد، و در عین حال کمک و دستگیرى براى افراد فقیر و ناتوان جامعه باشد و آنانرا در شئون زندگى‌شان یارى کند.

با این وجود این مقدار مالى که خداوند به عنوان زکات بر مسلمانان فرض گردانیده نسبت به آن همه مال و نعمت و آسایشى که خداوند به آنان داده بسیار ناچیز و اندک است.

پايۀ چهارم: روزه

روزه عبادتى است که خداوند در سالى یکماه بر مسلمانان فرض گردانیده و آن ماه مبارک رمضان ماه نهم قمرى است، در این ماه همۀ مسلمین مکلفند، از صبح تا شب از خوردن، آشامیدن، و جماع کردن باز بایستند، که خداوند مهربان در عوض با فضل و احسان خودش ایمان‌شان را کامل می‌گرداند، از گناهان‌شان در گذر می‌کند، درجاتشان را بلند می‌نماید، علاوه بر این دیگر ثمرات ارزشمند دنیوى و اخروى نیز بسیار است که در ماه مبارک رمضان براى روزه داران حاصل می‌گردد.

پايۀ پنجم: حج

و آن عبارت از سفر براى زیارت خانه خداست که در زمان مخصوص و با شرایط مخصوص انجام می‌گیرد حج را خداوند بر هر مسلمانى که توانایى جسمى و مالى داشته باشد یک مرتبه در عمرفرض گردانیده است، این فرصتى است که مسلمین جهان از هر سو براى پرستش پروردگار یگانه‌شان در بهترین و مقدس ترین سرزمین دور هم جمع شوند، و بدون آنکه فرقى میان رئیس و مرؤس و غنى و فقیر و سیاه وسفید وجود داشته باشد همگى بایک لباس به پیشگاه پروردگارشان می‌بایستند، از مهتمرین ارکان حج وقوف عرفه، طواف کعبه مشرفه(قبله مسلمین جهان) و سعى بین صفاو مروه را می‌توان نام برد.

علاوه برآن منافع بی‌شمارى نیز در حج وجود دارد که ازحد و حصر خارج است چه منافع دنیوى و چه اخروى.

بخش سوم: احسان

احسان این است که بندۀ مؤمن و مسلمان خدا را چنان پرستش کند که گویا او را می‌بیند، اگر او خدا را نمی‌بیند باور و یقین داشته باشد که خداوند حتماً او را می‌بیند یعنى بنده مسلمان باید در حین عبادت این احساس را در خود بوجود آورد. مسلماً زمانى این تصور و یقین در او بوجود خواهد آمد که به بکایک سنت‌هاى پیامبر اکرمص عمل نماید و از هر گونه مخالفتى بپرهیزد.

ساير احكام اسلام

همه آنچه که گذشت اسلام نامیده می‌شود، این را نیز باید دانست که اسلام زندگى پیروانش را اعم از فرد یا گروه به گونه‌اى تنظیم نموده، که سعادت دنیا و آخرت را براى‌شان تضمین می‌نماید، ازدواج را حلال گردانیده و بدان تشویق نموده است، و زنا و لواط و سایر زشتى‌ها را حرام کرده است، صله رحم و شفقت و مهربانى با فقراء و مساکین و دستگیرى آنان را واجب گردانیده است، همچنین به هرگونه اخلاق نیکو ترغیب نموده و از هر گونه اخلاق زشت و ناپسند باز داشته است، روزى حلال را که از راه تجارت و کشاورزى و دیگر مشاغل سالم حاصل شود حلال گردانیده، و سود تجارت حرام و سایر معاملاتى را که در آن غش و فریب باشد حرام نموده است.

عدالت اسلام

اسلام همچنین تفاوت مردم در استقامت بر دین و رعایت حقوق دیگران را نیز در نظر داشته است، فلذا همچنین که عقوبات و تنبیهات باز دارنده‌اى براى یک سرى خلاف ورزى‌هاى متعلق به دین و ذات ملکوتى‌اش مانند ردّت (بى دین شدن) و زنا و شراب خوارى وغیره در نظر گرفته از سوى دیگر تنبیهاتى نیز براى تجاوزات و حق تلفى‌هاى مردم تعیین نموده است این حق تلفى چه در مال دیگران باشد، چه در آبرو و حیثیت آنان و چه درخون‌شان مانند آدم کشتن، دزدى کردن، تهمت زدن، کسى را کتک زدن، آزار دادن و مالش را غصب کردن، و غیره.

همۀ این‌ها عقوبات و تنبیهاتى است که نسبت به نوع جرم و گناه، بسیار مناسب است به گونه‌اى که حق هیچکدام از دو طرف ضایع نمى شود.

اسلام همچنین رابطه حاکم با محکومین را نیز تنظیم نموده است، در صورتى که گناهى در اطاعت ازحاکم نباشد اطاعت او را بر محکوم واجب گردانیده است، و شورش و سرکشى علیه حکام را حرام گردانیده است، زیرا که اینگونه برخوردها معمولاً مفاسد زیادى را در پى دارد.

جمع‌بندی

با این جمع بندى مطلب را بپایان می‌بریم که:

أولاً: اسلام براى سعادت انسان‌ها آمده است، لذا می‌خواهد که انسان جهت ایجاد رابطه سالم میان خود و پروردگارش و فرمانبردارى از خالق یکتا آنگونه که دستور داده تلاش کند، و همچنین رابطه‌اش را در تماس شئون زندگى با همنوعان خویش مستحکم گرداند.

ثانیاً: هیچ خیر و نیکى‌اى نیست که اسلام بدان امر نکرده و ترغیب ننموده باشد و هیچ بدى و رذالتى نیست که اسلام از آن نهى نکرده و امت را از آن باز نداشته باشد، چه در عقاید و احکام، چه در معاملات و اخلاق وچه در هر بخش از زندگى، که این خود بر کمال و حسن این دین جهان شمول دلالت روشن دارد.

به امید سعادت و کامیابى همه مسلمین در سراسر گیتى.